



## Value-Based and Behavioral Indicators of an Ideal Government in the Regional and International Arena Based on the Statement of the Second Phase of the Revolution

**Abdolah Moradi**

Ass Assistant Professor, Department of the International Ties, College of, Supreme National Defense University (Corresponding author).

moradi.abdolah@gmail.com

 0000-0000-0000-0000

**Ayub Nikunahad**

Assistant Professor of Anbia-Al Khatam University of Air Defense.

anikunahad@gmail.com

 0000-0000-0000-0000

### Abstract

One of the fundamental necessities, based on the goals of the Islamic Revolution, is theorizing to realize the "New Islamic Civilization" and formulating strategies for "Iran's Dignity" in the "Global Historical Turn." According to the theories presented, whose scientific authority is Ayatollah Khamenei, processes have been defined to establish an Islamic government and ultimately achieve the aforementioned goal. As emphasized by Ayatollah Khamenei, the main step in the civilizational movement of the Islamic Revolution at the current stage is the establishment of an Islamic government. In this regard, the issuance of the Statement of the Second Phase of the Revolution has sought to outline a vision for this objective. The aim of this research is to extract the indicators of an ideal and benchmark government of the Islamic Revolution in both value-based and behavioral dimensions, focusing on regional and international levels. In this context, the characteristics of an ideal and benchmark government aligned with the discourse of the Statement of the Second Phase of the Revolution have been examined. The results of this research, conducted using descriptive-analytical methods and library tools through document analysis, indicate that the most important characteristics of the benchmark government of the Revolution at the regional and Islamic world levels include: unity-seeking and peace advocacy, being the "Umm al-Qura" (central nation) and modeling an Iranian-Islamic paradigm, security-building, and supporting resistance. At the international level, the behavioral indicators include: adherence to the principles of dignity, wisdom, and expediency, anti-hegemonic independence-seeking, ethical orientation, and commitment to international agreements and obligations.

**Keywords:** Islamic Revolution, Second Step Statement, Benchmark Government of the Revolution, New Islamic Civilization.





مقاله پژوهشی

## شاخصه‌های ارزشی و کنشی دولت تراز در محیط منطقه‌ای و بین‌الملل مبتنی بر بیانیه گام دوم انقلاب اسلامی

عبداله مرادی

استادیار روابط بین‌الملل، دانشگاه عالی دفاع ملی (نویسنده مسئول).

moradi.abdolah@gmail.com

0000-0000-0000-0000

ایوب نیکونهاد

استادیار و عضو هیئت علمی، دانشگاه پدافند هوایی خاتم الانبیاء (ص).

anikunahad@gmail.com

0000-0000-0000-0000

### چکیده:

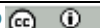
بر اساس اهداف انقلاب اسلامی، یکی از ضرورت‌های اساسی، نظریه‌پردازی در راستای تحقق «تمدن نوین اسلامی» و تدوین راهبرد جهت «سربلندی ایران» در «پیچ تاریخی جهانی» است. بنابر نظریه‌های ارائه شده که مرجعیت علمی آن آیت‌الله خامنه‌ای هستند؛ فرایندهایی جهت برپایی دولت اسلامی و نهایتاً دستیابی به این هدف فوق‌الذکر تعریف شده‌اند. به تصریح آیت‌الله خامنه‌ای، گام اصلی حرکت تمدنی انقلاب اسلامی در مقطع کنونی، ایجاد دولت اسلامی بوده و در این راستا با انتشار بیانیه گام دوم انقلاب اسلامی تلاش شده تا چشم‌اندازی برای این هدف تصویر گردد. در پژوهش پیش‌رو هدف استخراج شاخصه‌های دولت مطلوب و تراز انقلاب اسلامی در دو بُعد ارزشی و کنشی ناظر به سطوح منطقه‌ای و بین‌المللی است. در این راستا ویژگی‌های دولت تراز و مطلوب گفتمان منطبق بر متن بیانیه گام دوم انقلاب اسلامی مورد بررسی قرار گرفته است. نتایج این پژوهش که با استفاده از روش‌های توصیفی-تحلیلی و ابزارهای کتابخانه‌ای به شیوه سندکاوی انجام گردیده نشان می‌دهد؛ مهم‌ترین ویژگی‌های دولت تراز انقلاب در سطح منطقه‌ای و جهان اسلام، شامل وحدت‌گرایی و صلح‌طلبی، ام‌القرآ و الگوسازی ایرانی-اسلامی، امنیت‌زایی و حمایت از مقاومت است و شاخص‌های کنشی سطح بین‌المللی شامل پایبندی به قاعده عزت، حکمت و مصلحت، استقلال‌گرایی ضد هژمونیک، اخلاق‌گرایی و پایبندی به توافقات و تعهدات بین‌المللی می‌باشد.

**واژگان اصلی:** انقلاب اسلامی، بیانیه گام دوم، دولت تراز انقلاب، تمدن نوین اسلامی.



دسترسی به مقالات نشریه علمی مطالعات راهبردی انقلاب اسلامی (Open Access) است.

نشریه علمی «مطالعات راهبردی انقلاب اسلامی» تحت مجوز بین‌المللی Creative Commons Attribution 4.0 International CC BY 4.0



Doi: 10.22034/irsj.2025.494038.1088

مسئولیت مقاله از نظر محتوای علمی و نظرات مطرح شده در متن آن، به عهده نویسندگان و یا نویسنده مسئول مقاله می‌باشد و مورد تأیید / عدم تأیید صاحب امتیاز نشریه مطالعات راهبردی انقلاب اسلامی نمی‌باشد.

## مقدمه

یکی از مهم‌ترین وجوه تمایز انقلاب اسلامی با سایر انقلاب‌های مشابه در زمان وقوع آن‌ها در محیط بین‌المللی، ماهیت و نحوه کنشگری انقلاب اسلامی و طرح مفاهیم جدید توسط این انقلاب در نظام بین‌الملل برخلاف روندهای حاکم در آن است. نگاهی به محیط بین‌المللی منتهی به پیروزی انقلاب اسلامی نشان‌دهنده آن است که نظام دوقطبی موجود پس از یک دوره پرتنش دوره جنگ سرد، به‌نوعی تفاهم رسیده بود که برجسته‌ترین شکل آن ضدیت با آموزه‌های دینی و ارزشی و استقلال‌طلبی در سراسر جهان بود. تحت تأثیر این فضا همه اندیشمندان علوم اجتماعی و صاحب‌نظران علم سیاست و روابط بین‌الملل شکل‌گیری یک انقلاب مستقل بدون وابستگی به یکی از دو قطب قدرت جهانی و طرح مفاهیم کنشگری استقلال‌طلبانه و عدالت‌خواهانه، نفی هژمونی حاکم بر محیط بین‌المللی با شعار نه غربی نه شرقی در چهارچوب موازنه منفی تقریباً امری محال به نظر می‌رسید. با این وجود انقلاب اسلامی در این محیط بین‌المللی علاوه بر پیروزی و تثبیت خود به سرعت توانست علاوه بر به چالش کشیدن نظم دوقطبی موجود ادبیات و مفاهیم جدید خود را در سطح نظام بین‌الملل گسترش دهد و یک الگوی رفتاری منحصر به فرد در نظام بین‌الملل به نمایش بگذارد. از این جهت که کنشگری انقلاب اسلامی را نمی‌توان صرفاً بر اساس ملاحظات مادی و رایج منفعت‌طلبانه دولت‌ها در محیط بین‌المللی و بر اساس قاعده سود و زیان تبیین نمود. بلکه پشتوانه نظری و ارزش‌محور سیاست خارجی برگرفته از مبانی اندیشه دینی و گفتمان انقلاب اسلامی است که در عین تکلیف‌محور و حق‌مدار بودن، محاسبات مادی مبتنی بر واقع‌بینی نیز در دستگاه‌های دیپلماسی آن گنجانده شده است. نظام جمهوری اسلامی ایران در چهل سال نخست، متکی بر عقلانیت انقلابی در سیاست خارجی خود با «ایستادگی روز افزون در برابر زورگویان و مستکبران جهانی» ثبات و امنیت ملی را تأمین کرده و موفقیت‌های بزرگی در «سنگین کردن کفه عدالت در تقسیم امکانات عمومی»، «به اوج رسانیدن مشارکت مردمی»، «پیشرفت علم فناوری» و «ایجاد زیرساخت‌های حیاتی، اقتصادی و عمرانی کشور» داشته است. با این حال عرصه سیاست خارجی و مدیریت دیپلماسی کشور، دچار چالش‌هایی در محیط بیرونی و البته کاستی‌هایی در درون است.

کنشگری دولت انقلابی در چهار دهه گذشته، گرچه در بُعد نظری و اندیشه‌ای آرمان‌گرا بوده، اما در میدان عمل همواره مبتنی بر مسیر واقع‌گرایی و با رویکردی انعطاف‌گرایانه طی

مسیر نموده است. لذا این انعطاف‌گرایی در عمل در صحنه روابط خارجی را نمی‌توان به معنای عدول از آرمان‌های دولت اسلامی و عدم پابندی به اصول و ارزش‌ها تفسیر کرد. عده‌ای بر این باورند که این آرمان‌گرایی واقع‌بینانه یک فرصت و ابتکار عمل سیاسی مبتنی بر عقلانیت و مصلحت در اختیار نظام جمهوری اسلامی قرار داده تا در برخورد با واقعیت‌های محیطی و بیرونی از منظری پویا با تحولات پیش‌رو مواجهه نماید؛ اما با این حال تحت تأثیر رویکردهای سیاسی دولت‌های مختلف، اشکالاتی در کنشگری سیاست خارجی به واسطه عدم تبدیل مبانی یادشده به یک الگوی رفتاری مشخص و معین در محیط نظام منطقه‌ای و بین‌المللی وجود دارد که باعث نوساناتی در جهت‌گیری‌ها و رفتار دولت‌ها می‌شود. هرچند سلاطین یادشده در چهارچوب ساختار رسمی سیاست خارجی جمهوری اسلامی و بر اساس قانون اساسی با نهادهای بالادستی و نقش گفتمان‌ساز آیت‌الله خامنه‌ای، با تذکرات احتمالی ایشان و یا ترسیم جهت‌گیری‌های گفتمانی اصلاح و هم‌راستا با سیاست‌های کلی نظام می‌شود، اما تبیین الگویی برای سیاست خارجی دولت تراز انقلاب اسلامی با در نظر داشتن هم‌زمان ارزش‌ها و منافع، واقع‌بینی‌ها و آرمان‌گرایی‌ها لازم و اساسی خواهد بود.

برای حرکت در گام دوم انقلاب و دستیابی به اهداف کلان بیانیه، ضرورت دارد با تکیه بر رویکردهای مندرج در اسناد بالادستی، قانون اساسی و نیز بیانیه گام دوم نظام الگوی مفهومی خاص متناسب با دولت تراز انقلاب در عرصه منطقه‌ای و بین‌المللی طراحی گردد. در پژوهش پیش‌رو هدف استخراج شاخصه‌های دولت مطلوب و تراز انقلاب اسلامی در دو بُعد ارزشی و کنشی ناظر به سطوح منطقه‌ای و بین‌المللی است. بنابر این پژوهش در جهت پاسخ‌گویی به این پرسش است که «شاخصه‌های ارزش و کنشگری دولت تراز انقلاب در سطوح منطقه‌ای و بین‌المللی مبتنی بر بیانیه گام دوم انقلاب در برگیرنده چه مؤلفه‌هایی است؟» در این راستا ویژگی‌های دولت تراز و مطلوب گفتمان منطبق بر بیانات آیت‌الله خامنه‌ای و همچنین بیانیه گام دوم انقلاب اسلامی مورد بررسی قرار گرفته است. رویکرد پژوهش توصیفی-تحلیلی است و از ابزار مطالعات کتابخانه‌ای استفاده شده است.

## چهارچوب نظری

### ۱. سازه‌انگاری

«سازه‌انگاری»<sup>۱</sup>، چهارچوبی تحلیلی است که پیش از طرح در روابط بین‌الملل در جامعه‌شناسی معرفت و مباحث فرانظری در کل علوم اجتماعی مطرح بوده (لینکلتر، ۱۳۸۶: ۲۱) که در آن بر ساخت اجتماعی واقعیت تأکید می‌شود. از این منظر واقعیت امری بین ذهنی است و نمی‌توان امر عینی را رها از ارزش‌ها بررسی کرد؛ بنابر این کنشگران به‌واسطه درک و شناخت خود، واقعیت‌ها را می‌سازند (معینی علمداری و راسخی، ۱۳۹۰: ۱۸۶). لذا برای تفسیری جامع از عرصه بین‌الملل باید به انگاره‌ها، قواعد و هنجارها (ساختارهای معرفتی) در کنار ساختارهای مادی توجه شود (Lupovici, 2009: 18). سازه‌انگاری در تبیین نظری خود در خصوص کنشگران به‌عنوان کارگزار و ساختار بین‌المللی، رویکردی بینابینی در پیش‌گرفته و بر قوام متقابل ساختار و کارگزار تأکید دارد (موسوی و جوادی ارجمند، ۱۴۰۱: ۷۰). در این پژوهش تلاش می‌شود با استفاده از رهیافت هنجاری سازه‌انگاری به شاخصه‌های دولت تراز پرداخته شود. چه اینکه دولت تراز انقلاب اسلامی از یک‌سو متأثر از هنجارهای درونی و مبانی ارزشی دینی است و از سوی دیگر در فرایند جامعه‌پذیری با محیط بیرونی قرار دارد. در واقع کنش‌های بازیگران در یک محیط اجتماعی برساخته و در تعامل با سایر عناصر مادی، رفتار نهایی بازیگر شکل می‌گیرد (Jupile & others, 2003:14). از همین‌رو برای درک سیاست خارجی، باید به این نکته توجه داشت که دولت‌ها موجودیت‌های اجتماعی هستند و رفتارهایشان بر اساس قواعد، هنجارها، هویت‌ها و نهادهاست (موسوی و جوادی ارجمند، ۱۴۰۱: ۶۷).

### ۲. کنش متقابل منافع و ارزش‌ها

رهیافت هنجاری و دیدگاه سازه‌انگاری فوق، چشم‌اندازی از سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران را ترسیم می‌نماید که ناظر به تعامل میان متغیرهای درونی و بیرونی در یک قلمرو هویتی و ساختارهای بین‌الذهانی است. از آنجا که در این فرایند، «هنجارها»

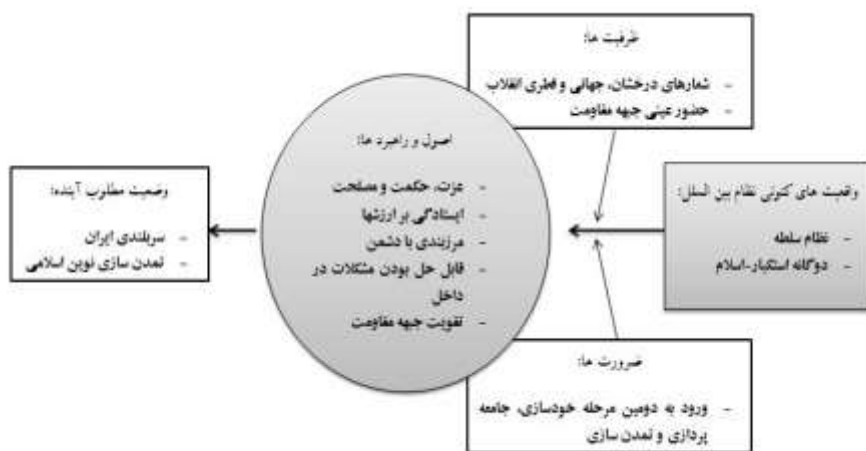
1. Constructivism

تعریف‌کننده «هویت‌ها» و «هویت‌ها» نیز معرف «منافع» هستند، اقتضا دارد که نقطه عزیمت در تحلیل تطبیقی نیز هنجارهای مؤثر بر سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران قرار گیرند و البته لایه دینی، یکی از ارکان مقوم و مکون هویت ایران اسلامی شناخته می‌شود که بخش عظیمی از رفتارهای فردی اجتماعی و حتی سیاست خارجی کشور را متجلی می‌سازد (مشیرزاده، ۱۳۸۲: ۴۵). بر این مبنا، سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران، ناظر به شکل‌گیری هویت ایرانی-اسلامی در قالب مؤلفه‌هایی مثل مقابله با ظالم، مبارزه با استکبار، حمایت از مظلوم، تکلیف‌گرایی، شهادت و ... است؛ اما این بدان معنا نیست که سیاست خارجی جمهوری اسلامی، ایدئولوژیک و غیرواقع‌بینانه ارزیابی شود. بلکه اساساً مقولات ارزشی-هنجاری در کنار منافع ملی طرح می‌گردد. به همین علت از نظر آیت‌الله خامنه‌ای «حفاظت از منافع ملی یک امر معنوی است اما این که تصور شود اگر ما از ارزشی صرف نظر کردیم به منافع ملی می‌رسیم و اگر به ارزش‌های خودمان مستمسک شدیم و پایبند ماندیم، منافع ملی را از دست می‌دهیم، خطای بسیار بزرگی است، منافع ملی ما در جهت ارزش‌ها و اصول ماست و اصول ما، منبع منافع ملی ماست» (خامنه‌ای، ۱۳۹۰: ۴۴). لذا مرزهای کشورها به سرحدات جغرافیایی آن‌ها خلاصه نشده و پر واضح است که تثبیت فضای هنجاری-ارزشی دولت‌ها در حوزه‌های منطقه‌ای و بین‌المللی، تضمینی برای موفقیت رفتارهای دیپلماتیک و عاملی برای اجرای بهینه سیاست خارجی کشور است (طباطبایی و سلیمانی، ۱۳۹۲: ۹۹). در واقع چشم‌اندازی از سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران ترسیم می‌شود که ناظر به شکل‌گیری هویت ایرانی-اسلامی در قالب مؤلفه‌هایی مثل مقابله با ظالم، مبارزه با استکبار، حمایت از مظلوم، تکلیف‌گرایی، شهادت و ... است. این‌ها عوامل متغیری هستند که از نظر بنیان‌های هویت‌خواهی اسلامی، استقلال‌خواهی ملی و هم از نظر تأثیرات ژئوپلیتیکی نقش اساسی یافته‌اند (سجادپور، ۱۳۹۷: ۳۵) بر همین مبنا فضای هنجاری انقلاب اسلامی و مقاومت‌گرایی عاملی است که جمهوری اسلامی به مدد آن می‌تواند مرزهایی هویتی برای خود ترسیم و از این طریق وارد رقابت‌های قدرت بین‌المللی گردد.

## آموزه‌های سیاست خارجی در بیانیه گام دوم

تعقیب منافع ملی با معیار ارزش‌ها از نظر آیت‌الله خامنه‌ای نیازمند توجه به دو موضوع اساسی است؛ نخست، این که بین تعقیب منافع ملی و ارزش‌ها و بین اصول با تغییر اولویت‌های سیاست خارجی کشور منافاتی وجود ندارد؛ «اولویت‌های سیاست خارجی و رابطه دیپلماتیک را باید در هر برهه‌ای از زمان بر اساس منافع ملی، البته در چهارچوب همان نظام ارزشی و نه بیرون از آن تعریف کرد» (خامنه‌ای، ۱۳۹۰: ۴۳). پیش‌تر سند چشم‌انداز جمهوری اسلامی ایران ۱۴۰۴ نیز با تأکید بر آینده‌نگری، ارزش‌گرایی و واقع‌گرایی الگویی جامع از افق آینده کشور را به نمایش گذارد. توجه به ادبیات چشم‌انداز نشانگر تلفیقی از آرمان‌گرایی و واقع‌گرایی در سیاست خارجی دولت اسلامی است که البته خود منبعث از آموزه‌های الهی اسلامی می‌باشد.

در این راستا کنش معطوف به منافع و امنیت ملی، مبتنی بر دیدگاه‌های آیت‌الله خامنه‌ای مستلزم رعایت سه اصل؛ «عزت»، «حکمت» و «مصلحت» آن‌چنان‌که در بیانیه گام دوم انقلاب اسلامی آمده، می‌باشد. در بیانیه واقعیت کنونی عرصه بین‌الملل مبتنی بر سلطه و دوگانه اسلام و استکبار تصویرسازی شده است. ایشان در «بیانیه گام دوم انقلاب اسلامی» الزامات خارجی پیشروی کشور را به‌طور ویژه در بند «عزت ملی، روابط خارجی، مرزبندی با دشمن» مورد اشاره قرار دادند (خامنه‌ای، مکتوبات، ۱۳۹۷/۱۱/۲۲) که طبق آن با راهنما قرار دادن سه اصل فوق‌بایستی ایران آینده، محور نظم منطقه‌ای مبتنی بر مقاومت و کشوری مؤثر در سطح بین‌الملل به جهت تغییر در مناسبات جهانی و ایجاد یک نظم بین‌المللی مؤمنانه مبتنی بر «صلح عادلانه» به شمار آید. این سه اصل راهبردی بر دوگانه اندیشی در ایجاد و فاصله بین «انقلابی‌گری و عقلانیت»، «میدان و دیپلماسی»، «مذاکره و مقاومت»، خط بطلان کشیده و روشن می‌سازد که بین حفظ ارزش‌ها و آرمان‌های انقلابی و سیاست عقلانی، رابطه‌ای ماهوی وجود دارد. بر مبنای آنچه در بیانیه گام دوم انقلاب اسلامی در قلم آیت‌الله خامنه‌ای آمده است، می‌توان الگوی مفهومی زیر را ارائه نمود.



شکل ۱: الگوی مفهومی موضوع روابط خارجی در متن بیانیه گام دوم

### شاخصه‌های ارزشی دولت تراز

سیاست خارجی در گفتمان انقلاب اسلامی، مبتنی بر ادامه خط امام خمینی<sup>(ره)</sup> و اصل تغییرناپذیر «نه شرقی، نه غربی» بوده است. گفتمان انقلاب اسلامی در سطح بین‌المللی نیز به‌عنوان یک گفتمان انتقادی مبتنی بر مقاومت است. نفی اصل برتری‌طلبی و قدرت‌محوری در صحنه روابط جهانی مهم‌ترین اصل سلبی و تأکید بر ارزش‌های مشترک نظیر عدالت به‌عنوان اصول ایجابی مطرح می‌گردد. این اصول راهنمای سیاست خارجی به‌ویژه در حوزه‌های دیپلماسی چندجانبه در نهادهای بین‌المللی و دیپلماسی عمومی- فرهنگی است که مفهوم محوری آن در بیان آیت‌الله خامنه‌ای در قالب «صلح عادلانه» ارائه شده است (خامنه‌ای، بیانات، ۱۳۹۰/۰۲/۲۷). گفتمان انقلاب اسلامی، صحنه نظام جهانی را در عرصه مبارزه و تقابل حق و باطل یا جبهه استکبار و مقاومت مستضعفان (همچون فطرت و سرشت انسان) می‌داند، اما از سوی دیگر قائل به این نیز هست که صحنه گیتی همیشه خشونت و مبارزه نیست، چرا که اسلام قائل به دارالصلح است. در این گفتمان صلح و همزیستی مسالمت‌آمیز اصالت دارد و جنگ و جهاد در راستای تأمین این هدف است؛ بنابراین صلح یک قاعده همیشگی و



موضوع جنگ یک حالت استثنایی است؛ «و اگر به صلح گراییدند، تو [نیز] بدان گرای و بر خدا توکل نما که او شنوای داناست.» (قرآن کریم، سوره انفال آیه ۶۱). بدین سان صلح در نگاه اسلامی صلحی مثبت و ایجابی است.

دیگر ارزش‌های اساسی سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران بر اساس قانون اساسی در دو سطح ملی و بخشی احصا می‌شود؛ حراست از استقلال، حاکمیت و تمامیت ارضی کشور، توسعه اقتصادی و رفاه، دفاع از اسلام و مسلمانان، تعامل با جهان، حفظ و ارتقای وجهه جهانی و ... اهداف حوزه سیاست خارجی ناظر به بخش امنیتی-دفاعی، راهنمای تدوین راهبردهای سیاست خارجی در این حوزه است که شامل حفظ تمامیت ارضی و حاکمیت ملی، رفع تهدیدات متوجه امنیت و منافع ملی، ایجاد و استمرار ثبات در محیط امنیت خارجی، دفع تهدیدات بالقوه و کسب قدرت بازدارندگی مؤثر و همه‌جانبه، تأمین امنیت پایدار و آماده‌سازی نیروهای مسلح دانست. در واقع سیاست خارجی همانند سیاست دفاعی-امنیتی واجد هدف غایی امنیت ملی بوده و لذا در مأموریت‌های خود رابطه پشتیبانی دوطرفه نسبت به یکدیگر دارند (عراقچی، ۱۳۹۸: ۱۱۷). لذا بایستی توجه داشت که این اهداف و منافع ملی در یک چهارچوب ارزشی و بین‌الذهانی شکل می‌گیرد. چهارچوبی که با توجه به مبانی سازه‌انگاران بر مبنای هویت جمعی (حاصل ارزش‌ها و هنجارهای داخلی) و اجتماعی (در ارتباط با سایر بازیگران محیط منطقه‌ای و بین‌المللی) ساخته می‌شود.

سند چشم‌انداز توسعه جمهوری اسلامی ایران در افق ۲۰ ساله که از سال ۱۳۸۴ با ابلاغ آن از سوی آیت‌الله خامنه‌ای به مبادی ذی‌ربط، مبنای قانون‌گذاری، اتخاذ تصمیمات کلان سیاست‌مداران و اقدامات مجریان گردیده، مهم‌ترین مصداق تنظیم اهداف ملی بر مبنای هویت است. لذا ایران در سند چشم‌انداز خود را به‌مثابه «کشوری توسعه‌یافته و دارای جایگاه اول اقتصادی، علمی و فناوری در سطح منطقه، توأم با حفظ هویت اسلامی و انقلابی و الهام‌بخش در جهان اسلام، همراه با تعامل سازنده و مؤثر در روابط بین‌الملل» تصویر می‌کند. این سند که خود متکی بر دکرترین ارزشی انقلاب اسلامی است، اهداف اصلی را ترسیم می‌کند که بستر و جهت‌دهنده تمام تصمیمات و سیاست‌هایی است که کشور را به نقطه چشم‌انداز نزدیک می‌کند (سجادپور و نوریان، ۱۳۸۹: ۴۵). سیاست خارجی کشور در افق این چشم‌انداز، مبتنی بر تعامل سازنده و هماهنگی در روابط بین‌الملل تعریف شده که البته به معنای وادادگی در

مقابل قدرت‌های بزرگ و پذیرش وضع موجود در نظام بین‌المللی نیست؛ بلکه با استفاده از قواعد بین‌الملل و با ایجاد اجماع هدفمند با کشورهای هم‌سو و در راستای منافع و اهداف کشور تنظیم و تدوین می‌شود (ایزدی و خلفی، ۱۳۹۰: ۴۵). مطالعه این اسناد بالادستی آشکار می‌کند که چگونه منافع و امنیت ملی بر اساس هنجارهای هویتی و مبانی ارزشی بر ساخته می‌شوند، درحالی‌که خود این هویت به شکل مستمر در تعامل با محیط بیرونی و اقتضائات جدید به روز می‌شود. بر همین اساس بیانیه گام دوم انقلاب اسلامی، نو کردن تعریف انقلاب اسلامی از خود و باز ترسیم نقش‌های ملی و بین‌المللی است و لذا پیروزی انقلاب اسلامی آغازگر عصر جدید عالم تلقی شده که با تثبیت انقلاب اینک چشم‌انداز گام دوم با ورود به «مرحله خودسازی، جامعه‌پردازی و نهایتاً تمدن‌سازی» نمایان شده است (خامنه‌ای، مکتوبات، ۱۳۹۷/۱۱/۲۲) در بیانیه گام دوم انقلاب اسلامی نیز تأکید بر «مدیریت جهادی» به مثابه یک سیاست عامل عزت و پیشرفت ایران در همه عرصه‌ها قلمداد شده و بر سیاست‌های کلی چون تولید علم و فناوری موتور پیشران کشور، توجه به لیست فرصت‌های مادی کشور، مرزبندی با دشمن و رعایت این مسئله در مذاکرات خارجی تأکید شده است.

#### جدول شماره ۱: ارزش‌های اساسی دولت تراز انقلاب اسلامی

نفی سلطه‌جویی و سلطه‌پذیری و استکبارستیزی
حفظ استقلال و تمامیت ارضی کشور
دفاع از هویت و مرزهای اسلامی و همه مسلمانان
همزیستی مسالمت‌آمیز
صلح عادلانه
شعارهای فطری عدالت، آزادی و اخلاق
عقلانیت و معنویت و عدالت
تکیه بر ظرفیت‌های داخلی و مدیریت جهادی
خودسازی، نظام‌سازی و تمدن‌سازی

## شاخصه‌های کنشی تراز انقلاب در سطح منطقه‌ای و جهان اسلام ۱. وحدت‌گرا و صلح‌طلب

برخلاف تمایزات حقوق بین‌الملل که واحدهای سیاسی را در قالب رسمی دولت‌ها با تعریف مشخص حاکمیت، سرزمین، جمعیت و ... تعریف می‌کند در اسلام واحدهایی سیاسی در قالب امت تعریف می‌شوند و مرزهای تصنعی جغرافیایی، زبانی، نژادی و قومی، اهمیتی ندارند. در واقع مبانی ارزشی دینی، هویت واحد سیاسی را بر مبنای امت اسلامی تعریف می‌کند و نه دولت سرزمین. در آیات و روایات متعددی بر امت‌گرایی و مسئولیت داشتن مسلمانان در برابر یکدیگر تأکید گردیده و مسلمانان را به وحدت و همکاری دعوت نموده است. در قرآن کریم بیش از ۵۰ آیه به موضوع اختلاف، وحدت و روش‌های کسب اتحاد و عوامل اختلاف اختصاص داده شده است (عباسی، ۱۳۹۴: ۷۴). در اصل یازده قانون اساسی که برگرفته از آیات قرآنی و مبانی فقهی است به حکم آیه قرآنی «إِنَّ هَذِهِ أُمَّتُكُمْ أُمَّةً وَاحِدَةً وَأَنَا رَبُّكُمْ فَاعْبُدُونِ» (انبیاء/۹۲) همه مسلمانان یک امت واحد به شمار می‌روند و دولت جمهوری اسلامی ایران موظف است سیاست‌های کلی خود را بر پایه ائتلاف ملل اسلامی قرار دهد و کوشش به عمل آورد تا وحدت سیاسی، اقتصادی و فرهنگی جهان اسلام را تحقق ببخشد (قانون اساسی، اصل یازدهم). منظور از وحدت یکسان‌سازی نیست، بلکه الگویی از وحدت در عین کثرت میان همه مسلمانان به‌مثابه وحدت شمول‌گرا قابل ارائه است که می‌توان از محوریت دینی توحید به‌مثابه عنصر وحدت و ارتباطات فرهنگی میان جوامع مسلمان به‌عنوان کثرت آن را ایجاد کرد (مختاری، ۱۴۰۳: ۱۱۵).

این تعریف از وحدت در کنار پذیرش نظام دولت-ملت‌ها توسط دولت اسلامی، علی‌رغم اینکه اصالت را به امت می‌دهد، نشانگر زیست و حرکت انقلاب اسلامی در محیط هنجاری بین‌الملل با رعایت کنش متقابل ارزش‌ها-منافع در نظریه سازه‌انگاری است، در عین اینکه به آن انتقاد نیز دارد. شاخص دیگر وحدت‌گرایی در گفتمان انقلاب اسلامی، آن‌چنان‌که در بیانیه گام دوم انقلاب آمده است به هم ریختن نظم تعریف شده قدرت دوقطبی و شکل‌گیری دوگانه جدید «اسلام و استکبار» است. از منظر آیت‌الله خامنه‌ای در بیانیه گام دوم با پیروزی انقلاب اسلامی در ایران است که نگاه امیدوارانه ملت‌های زیر ستم و برخی دولت‌های مایل به استقلال بدان دوخته می‌شود. لذا روندهای سیاست خارجی ایران بدون توجه به قالب‌های

همسایگی، تمدنی و هویتی مطلوبیت و نتیجه چندانی نخواهد داشت. کشوری که سیاست خارجی سازنده دارد، قادر خواهد بود تا حوزه همسایگی را به عرصه کنش راهبردی پیوند دهد. سیاست خارجی ایران در سال‌های گذشته مبتنی بر کنش سازنده و اعتمادساز براساس همبستگی‌های راهبردی برای صلح‌سازی بوده است (متقی، ۱۳۹۷). در عرصه گفت‌وگو و دیپلماسی نهضتی نیز دوگانه‌سازی هویتی میان اسلام و استکبار در راستای تعریف یک هنجار وحدت‌بخش است که طی آن بتوان نقش ائتلاف‌ساز جمهوری اسلامی در معنا بخشیدن به محور مقاومت را در برابر نظام سلطه تعریف و هویت مشترک دسته‌جمعی در راستای تقابل با استکبار و ساخت یک نظام بین‌الملل با نفی ظلم و مبتنی بر عدالت را بر ساخت کند.

## ۲. ام القرا و الگوی ایرانی-اسلامی

نظریه ام القرا از جمله نظریه‌هایی است که در اواخر دهه ۱۳۶۰ در خصوص نحوه و چگونگی تجمیع منافع ملی با مصالح اسلامی در سیاست خارجی ایران ارائه شده است. ابتدای این نظریه که بر منطق واقع‌گرایی بنیان شده مبتنی بر این است که در کوتاه‌مدت باید منافع ملی و نیازهای داخلی در اولویت قرار گیرد و در بلندمدت اهداف جهان‌شمول اسلامی را در دستور کار قرار داد. (لاریجانی، ۱۳۶۹: ۲۰) این نظریه در میان نظریه‌های حداقلی (مسئولیت دولت اسلامی عمدتاً معطوف به داخل) و دیدگاه حداکثری (مسئولیت دولت اسلامی ورای مرزهای ملی)، دیدگاه سومی را مطرح می‌کند (حقیقت، ۱۳۷۶: ۵۸). بر مبنای نظریه ام القرا و به علت هویت حق‌طلبانه و ارزش‌گرایانه انقلاب است که جمهوری اسلامی توانسته است تأثیرگذاری فرهنگی و گفت‌وگویی خود را در سطح منطقه و بین‌الملل رواج دهد. در واقع رسالت ارزشی جمهوری اسلامی ایران، گذار وضع موجود جهان اسلام به وضعیت مطلوب در راستای تحقق تمدن نوین اسلامی است که از جمله الزامات این امر رویکرد وحدت‌گرا در جهان اسلام است و البته الزام اساسی‌تر الگوسازی در قالب الگوی ایرانی-اسلامی پیشرفت است تا بتوان با معیار ارزش‌های دینی، الگویی هوشمندانه و عملیاتی یا جذابیت ارائه شود (آقایی فیروزآبادی، ۱۳۹۹: ۱۶۳). در واقع بایستی هویت انقلاب اسلامی منطبق با تحولات، روزآمد گردیده و بر همین اساس الگوسازی در داخل به محوریت مردم‌سالاری دینی و نیز تحقق الگوی ایرانی-اسلامی پیشرفت، اولویت پیدا می‌کند. بر همین اساس نیز آیت‌الله

خامنه‌ای در توصیه به جنبش‌های بیداری اسلامی بر «نقش قاطع مردم در مدیریت کشور بر مبنای ارزش‌های اسلامی» تأکید و ضمن توجه به اصل الگوسازی از تلفیق جمهوریت و اسلامیت، دین و سیاست، پیوند معنویت و حکومت می‌فرماید: «ملت‌های مسلمان به فکر ایجاد نظام اسلامی و حکومت اسلامی افتادند با فرمول‌های گوناگون، نه لزوماً با همان فرمول نظام جمهوری اسلامی ما، اما به فکر حاکمیت اسلام بر کشورشان افتادند. بعضی از کشورها موفق هم شدند؛ بعضی هم آینده نویدبخشی در انتظارشان هست از حرکت‌های اسلامی» (خامنه‌ای، بیانات، ۲۶/۰۶/۰۳۹۰).

در خصوص الگوسازی از نظام اسلامی بر طبق بیانیه گام دوم انقلاب می‌توان گفت: تصویرگری و چشم‌انداز آرمان بزرگ انقلاب که همان تأسیس تمدن نوین اسلامی است، منحصر به ایران اسلامی نیست. بلکه این گفتمان تحول‌ساز انقلاب اسلامی است که زمینه‌ها و بسترهای لازم را برای ایجاد این تمدن نوین فراهم خواهد کرد و همه کشورها و ملت‌های مسلمان با همدلی و وفاق سهمی در برپایی این تمدن نوین خواهند داشت. در واقع پس از فراهم‌شدن زمینه‌های لازم برای نمایان شدن تمدن نوین اسلامی ملت‌های دیگر نیز از ایران اسلامی الگو خواهند گرفت.

### ۳. امنیت‌زا و مقتدر

یکی از موضوعات اساسی در سیاست خارجی کشورها بحث «امنیت هستی‌شناختی» آن‌هاست. امنیت هستی‌شناختی منازعات و مناقشات پایدار در روابط بین‌الملل را تحلیل می‌کند. در این دیدگاه ممکن است این منازعات و مناقشات منافع فیزیکی و رئالیستی کشورها را با خطر مواجه کند، اما امنیت هویتی آن‌ها، از طریق حفظ حقوق ملی و نگاه غرورآمیز داخلی و بین‌المللی و پرهیز از شرم و سرافکندگی بین‌المللی را تضمین می‌کند (دهقانی فیروزآبادی و وهاب‌پور، ۱۳۹۴: ۲۷). براساس این نظریه دولت‌ها علاوه بر تأمین امنیت فیزیکی و پیشینه‌سازی از قدرت مادی به دنبال امنیت هویتی خود به‌عنوان یک کل یکپارچه‌اند و در عرصه کنشگری خود در سیاست خارجی در پی آنند تا نگرش خود به دولت و تصویری که دولت‌ها می‌خواهند از آن‌ها داشته باشند را به منصف ظهور برسانند. دولت‌ها به‌عنوان کارگزاران اجتماعی به دنبال کنش‌هایی هستند که نیازهای هویتی آنان را

تأمین کند؛ این کنش‌ها را می‌توان در سه دسته کنش‌های اخلاقی (عموماً پرهزینه)، کنش‌های بشردوستانه (ناسازگار با منافع استراتژیک) و کنش‌های شرافتی (کنش‌های خطرناک) دسته‌بندی کرد (استیل، ۱۳۹۲: ۱۵۵). با تکیه بر این دیدگاه اگر بپذیریم که سه عامل هویت، قدرت (منافع) و امنیت مفروضه‌های اصلی گفتمان امنیت هستی‌شناختی سیاست خارجی کشورها را شکل می‌دهند. در خصوص سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران می‌توان گفت که هر سه عامل هویت (فراملی و ایدئولوژیکی بودن سیاست خارجی و چهره‌سازی از خود) قدرت (اولویت منافع ملی و افزایش قدرت خود در عرصه‌های منطقه‌ای و بین‌المللی) و امنیت (حفظ سرزمین و صیانت از خود) به‌صورت تعاملی و همبسته نقش تعیین‌کننده‌ای در تمام تصمیم‌گیری‌های سیاست خارجی ایران ایفا کرده‌اند (محمدی و حاجی یوسفی، ۱۳۹۷: ۳۴). بنابر این همچنان که پیگیری منافع ملی، انعکاس قدرت سیاسی کشور است، اما باید توجه داشت که منافع ملی با شاخص‌های ایدئولوژیک تبیین و تفسیر می‌شود و لذا ماهیت هنجاری دارد. بر این اساس هر کشوری در راستای حداکثرسازی منافع ملی خود تصمیم‌گیری می‌کند (متقی، ۱۳۹۷).

انقلاب اسلامی و نظام سیاسی برخاسته از آن با ایجاد قطب جدیدی از قدرت سبب شد تا کنش‌های جدید عمدتاً هویتی در سیاست خارجی ایران ظهور و بروز یابند کنش‌هایی که لزوماً نمی‌توان بر پایه منطق (هزینه-فایده) آن‌ها را تعبیر و تفسیر کرد، بلکه بر اساس منطق تعامل متقابل منافع و ارزش‌ها استوار است. در این منطقه سازه‌انگاران، سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران بر منافع مادی و عینی تکیه دارد اما در عین حال تکلیف محور هم هست، امنیت ملی را دنبال می‌کند، اما الگوی هنجاری امنیت ملی آن را به امنیت جهان اسلام و هویت فرهنگی اسلامی پیوند می‌زند.

آیت‌الله خامنه‌ای با برآورد دقیق از امنیت هستی‌شناختی انقلاب اسلامی در بیانیه گام دوم بر این امر تصریح می‌فرمایند که: «انقلاب اسلامی ملت ایران، قدرتمند اما مهربان و باگذشت و حتی مظلوم بوده است ... در همه موارد، پس از حمله دشمن از خود دفاع کرده و البته ضربت متقابل را محکم فرود آورده است. این انقلاب از آغاز تا امروز نه بی‌رحم و خونریز بوده و نه منفعل و مردد. با صراحت و شجاعت در برابر زورگویان و گردنکشان ایستاده و از مظلومان و مستضعفان دفاع کرده است. این جوانمردی و مروت انقلابی، این صداقت و

صراحت و اقتدار، این دامنه عمل جهانی و منطقه‌ای در کنار مظلومان جهان، مایه سربلندی ایران و ایرانی است.»

#### ۴. مقاومت‌گرا

پیروزی انقلاب اسلامی تحول عظیم و گسترده‌ای نه تنها در جهان اسلام بلکه در نظام بین‌الملل هم به وجود آورد و معادلات و موازنه‌های تثبیت‌شده قدرت در نظام بین‌الملل را دچار چالش کرد. گرچه انقلاب اسلامی پیامدها و بازتاب‌های گسترده‌ای بر جهان اسلام و نظام بین‌الملل گذاشته اما یکی از مهم‌ترین پیامدها و بازتاب‌های انقلاب اسلامی در مجموعه جهان اسلام و به خصوص در منطقه غرب آسیا را می‌توان مقابله با ترتیبات سیاسی آمریکا در این منطقه و تقابل با رژیم صهیونیستی دانست (قاسمی، ۱۳۹۷: ۶). شکل‌گیری محور مقاومت مبتنی بر گفتمان انقلاب اسلامی با تأسی از اسلام سیاسی و نقش محوری جمهوری اسلامی ایران بوده و با این منطق پیوند زیر بنایی یافته که عمق‌بخشی و توسعه امنیت میان ملت‌های مسلمان موجب تقویت امنیت جمهوری اسلامی ایران نیز می‌گردد. گرچه در گفتمان حضرت امام<sup>(ره)</sup> و آیت‌الله خامنه‌ای مقاومت دارای مبانی دینی، قرآنی و اسلامی مستحکمی است و رفتن به سمت مقاومت امثال امر الهی برای ابلاغ و اجرای دستورات خداوند در جهت بندگی خدا و اجتناب از طاغوت است اما شکل‌گیری رسمی ژئوپلیتیک محور مقاومت می‌توان آن را عمدتاً معطوف به رویدادهای عرصه بین‌المللی و یک‌جانبه‌گرایی ایالات متحده آمریکا بعد از حوادث یازده سپتامبر و پیگیری طرح خاورمیانه جدید از سوی آن‌ها دانست. در شکل‌گیری گفتمان مقاومت و تبدیل آن به یک جبهه عملیاتی به شکل فعلی عوامل متعددی همانند بی‌توجهی به مسئله فلسطین و رابطه با رژیم صهیونیستی از سوی رژیم‌های مرتجع منطقه، مداخله ایالات متحده و قدرت‌های غربی در تحولات منطقه (اشغال افغانستان، عراق و ...) همچنین ترویج گفتمان استکبارستیزی در بین ملت‌های مسلمان و جنبش‌های اسلامی و تلاش برای کسب هویت مستقل و ... تأثیرگذار بوده است. در واقع جبهه مقاومت که مولد گفتمان سیاسی انقلاب اسلامی است در دو وجه سلبی (نفی سلطه، نفی استکبار و استبداد ستیزی) و ایجابی (طرح مفاهیمی مانند اسلام‌خواهی، عدالت‌خواهی، استقلال‌طلبی حکومت‌ها و رهایی

از وابستگی، آزادی‌خواهی و معنویت‌گرایی) توانسته است مفاهیم و موضوعات را از عرصه نظری به میدان عمل وارد کند (اسدی و رجبی، ۱۳۹۶: ۹۸).

می‌توان گفت که شکل‌گیری جبهه مقاومت به‌عنوان یک جبهه عملیاتی موجبات گسترش حوزه و قلمرو امنیت انقلاب اسلامی از سطح ملی و وطنی به سطح امنیت امت اسلامی ارتقا دهد و با فراتر رفتن از مرزهای جغرافیایی ایران به مرزهای جهان اسلام در عمل نظریه‌صدر انقلاب جنبه عملی به خود گیرد. همچنان که آیت‌الله خامنه‌ای در متن بیانیه گام دوم انقلاب بر این امر صحه گذاشته و معتقدند که چالش امروز مستکبران، چالش بر سر حضور ایران مقتدر در مرزهای رژیم صهیونیستی و برجیدن بساط نفوذ نامشروع آمریکا از منطقه غرب آسیا است و می‌طلبد حکمران سیاسی تراز انقلاب با درک صحیح از جایگاه ایران در معادلات منطقه‌ای و جهانی برای حفظ منافع انقلاب و ادامه مسیر بر اساس ارزش‌های اسلامی پشتیبانی مادی و معنوی لازم از جبهه مقاومت به عمل آورد.

### شاخصه‌های کنشی تراز انقلاب در سطح بین‌الملل

#### ۱. پایبندی به قاعده عزت، حکمت و مصلحت

یکی از ویژگی‌های اندیشه سیاسی آیت‌الله خامنه‌ای در طی سه دهه رهبری تاکنون طرح کردن، مفصل‌بندی و منسجم ساختن گفتمان‌های مختلف توسط ایشان بوده است؛ سه اصل «عزت، حکمت و مصلحت» هم که سه اصل محوری و ثابت سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران در عرصه بین‌المللی‌اند بر اساس منویات راهبردی ایشان بنا شده‌اند. آیت‌الله خامنه‌ای عزت را، نفی «دیپلماسی التماسی چه در کلام و چه در محتوا و پرهیز از چشم دوختن به حرف و تصمیم مقامات کشورهای دیگر» تعریف و معنای حقیقی حکمت را «رفتار و گفتار خردمندانه، اندیشیده شده و محاسبه‌شده» می‌داند. بر اساس آن هر حرکتی در سیاست خارجی باید عقلانی و فکر شده باشد و تصمیمات و اقدامات دفعی و بدون حساب در مقاطعی به کشور ضربه زده است. مصلحت نیز از منظر ایشان به مفهوم داشتن انعطاف در موارد لازم برای دور زدن موانع سخت و صخره‌ای و ادامه دادن مسیر است (خامنه‌ای، بیانات، ۱۴۰۲/۰۲/۳۰). هریک گوشه‌ای از مثلث سه‌ضلعی سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران را



شکل داده‌اند که در صورت نقص یکی، اصالت سیاست خارجی مورد سؤال قرار می‌گیرد. به‌ویژه در روابط بین‌الملل که عرصه کنش‌های متقابل و هنجارهای برساخته قدرت‌های بزرگ است، وجود اصل حکمت در سیاست خارجی هم بدین معناست که سیاست خارجی در نوسان بین آرمان‌گرایی افراطی و واقع‌بینی محض گرفتار نگردد و به بهانه واقع‌گرایی، آرمان‌ها فراموش نشود و در عین حال عقلانیت حکم می‌کند که در پیگیری منافع و مصالح ملی آرمان‌های افراطی محض خارج از ظرفیت نیز تعقیب نشود، بلکه با در پیش گرفتن سیاست آرمان‌گرایی واقع‌بینانه که از الزامات دیپلماسی موفق متناسب با سیاست‌گذاری‌های نظام جمهوری اسلامی است طریق دیپلماسی طی گردد (رضایی اندیشمند، ۱۳۹۵: ۱۴). مصلحت در اینجا مؤلفه محوری است که نقطه اتصال بین ارزش‌های هویتی و منافع عینی است و بر مبنای این مؤلفه خواهد بود که نقش ملی کشور تعریف می‌گردد. در واقع کشور در کوران حوادث بین‌الملل، بایستی ضمن حفظ پیوستگی هویتی خود در داخل و خارج، بتواند کنش‌هایی داشته باشد که از سوی آیت‌الله خامنه‌ای تعبیر به «نرمش قهرمانانه» شده است. لذا رفتار حکیمانه به این معنا نیست که یک سیاست خارجی مشخص در همه زمان‌ها و مکان‌ها دنبال شود، بلکه آنچه مبتنی بر مصلحت است، اصل توجه به حفظ نظام است (کبیری، ۱۳۹۹: ۵۵). در متن بیانیه گام دوم انقلاب نیز این مبحث یکی از سرفصل‌های توصیه‌های کلیدی را به خود اختصاص داده است که نشان‌دهنده اهمیت پایبندی به این قاعده در سیاست خارجی به‌عنوان یک قاعده مبنایی است. آیت‌الله خامنه‌ای با تبیین دستاوردهای پایبندی به این قاعده تاکنون و در دولت شایسته تراز انقلاب در بیانیه تصریح می‌فرماید: «دولت جمهوری اسلامی باید مرزبندی خود را با آن‌ها با دقت حفظ کند؛ از ارزش‌های انقلابی و ملی خود، یک گام هم عقب‌نشینی نکند؛ از تهدیدهای پوچ آنان نهراسد و در همه حال، عزت کشور و ملت خود را در نظر داشته باشد و حکیمانه و مصلحت‌جویانه و البته از موضع انقلابی، مشکلات قابل حل خود را با آنان حل کند.» این تعبیر نشانگر آن است که هویت کشور با حفظ مرزها و ارزش‌ها پیوند خورده است، اما هویت‌گرایی منافاتی با منافع مشخص مادی ندارد، عزت‌اندیشی نیز به معنای تقابل بی‌قاعده با نظام سلطه نیست و لذا می‌توان بر سر منافع مشترک در موضوعات قابل حل که اخلال هویتی برای کنشگر پدید نمی‌آورد وارد مذاکره شد.

## ۲. استقلال‌گرایی ضد هژمونیک

گفتمان لیبرال دموکراسی آمریکایی عمدتاً بر رویکرد سلبی، نفی هویت و برخورد خصومت‌آمیز با گفتمان‌های رقیب استوار است. پس از حذف کمونیسم، اندیشمندان غربی با ارائه نظریه‌هایی مانند برخورد هویت‌های تمدنی، نظریه پایان تاریخ و ... تلاش کردند تا گفتمان لیبرالیسم را هژمونیک کنند. وجود تمدن‌های هم‌تراز و یا برتر که بتواند به‌عنوان رقیب جدی برای گفتمان آن‌ها باشد را برنرفته و لذا پیروزی انقلاب اسلامی این انگاره ذهنی را در آن‌ها تقویت کرد که رقابت غرب با اسلام که هنوز هم دارای هویتی جمعی، گسترده و قوی است، یک نبرد تمدنی است (دهقانی فیروزآبادی و اسماعیلی، ۱۳۹۵: ۱۱۵). حقیقت امر آن است که قدرت‌های نوظهوری همچون انقلاب اسلامی با تکیه بر عواملی همانند فرهنگ، مذهب و تمدن بومی و استقلال‌طلبانه خود توانسته‌اند اهداف ترسیمی هژمونی ایالات متحده را با مانع مواجه کنند. درحالی‌که تصور ایالات متحده بر این پیش‌فرض است که سایر بازیگران که جایگاه آن‌ها توسط هژمونی تعریف شده، موظف‌اند که قواعد بازی را براساس ارزش‌ها و قواعد آمریکایی رعایت کنند؛ اما واقعیت آن است که اساساً شکل‌گیری نظام لیبرال جهانی از ابتدا امری محکوم به شکست بوده چرا که ترتیبات لیبرال، با مداخله بیش‌ازحد برای ترویج دموکراسی آمریکا، جنگ‌طلبی را ترویج و متقابلاً واکنشی معکوس را موجب شده است. به‌ویژه که این جنگ‌های صلیبی برای ترویج ارزش‌های لیبرال نیز، مورد حمایت افکار عمومی و ملت‌ها قرار نگرفت (Nye, 2019). بنابراین جهان معاصر به‌سوی چندقطبی‌گرایی حرکت می‌کند و آمریکا و غرب باید واقعیت‌های جهان متنوع سیاسی و فرهنگی با رشد کشورهای نوظهور مانند قدرت‌های آسیایی را بپذیرند (Acharya, 2020). متقابلاً تحقق ایده‌های انقلاب اسلامی در عرصه بین‌الملل مستلزم تغییر در نظم موجود بوده و اساساً جمهوری اسلامی یک بازیگر انتقادی در نظام بین‌الملل است که کنش آن را می‌توان در قالب مفهوم «مقاومت» تبیین نمود و برجسته‌ترین رسالت جمهوری اسلامی در جایگاه رهبر جبهه ضد نظام سلطه، تلاش در راستای برپایی یک ساختار نوین جهانی بر پایه عدالت و احترام متقابل است (عباسی، ۱۳۹۷: ۲۱). «در برخورد با نظام سلطه، دو نوع رفتار از هم متمایز می‌شوند: یک برخورد، تسلیم و یک برخورد، مقاومت است. تسلیم در مقابل زورگویان جهان،

زورگو را به زورگویی تشویق می‌کند. تسلیم ملت‌ها، تسلیم سیاسیون عالم، تسلیم روشنفکران جوامع مختلف در مقابل زورگویی‌های استکبار جهانی، مشوق آن‌ها در پیشرفت است؛ مشوق آن‌ها در زورگویی بیشتر است. [بنابراین] برای ملت‌ها یک راه حقیقی بیشتر باقی نمی‌ماند و آن مقاومت است» (خامنه‌ای، بیانات، ۱۳۸۷/۰۳/۱۴) در گفتمان انقلاب اسلامی شکل‌گیری یک جامعه اخلاقی و عادلانه جهانی مورد توجه است. بر همین اساس نیز آیت‌الله خامنه‌ای در تحقق صلح بین‌الملل بر اضافه کردن صفت عدالت تأکید دارند: «جمهوری اسلامی شعار صلح عادلانه را مطرح کرد. خب، صلح یک ارزش مطلق نیست، یک ارزش نسبی است؛ یک جایی صلح خوب است، یک جایی صلح بد است و جنگ خوب است؛ اما عدالت این جور نیست؛ عدالت یک ارزش مطلق است» (خامنه‌ای، بیانات، ۱۳۹۰/۰۲/۲۷) بر این اساس جمهوری اسلامی، رویکرد خشونت‌آمیز تهاجمی را نفی و تحول در نظام بین‌الملل کنونی را از مسیر استقلال‌خواهی، اقتدار دفاعی، ایجاد موازنه نرم در برابر استکبار، صدور ارزش‌های انقلابی و ارائه بدیل‌های فرهنگی را جست‌وجو می‌کند. اینجاست که در راهبرد خارجی، جمهوری اسلامی میان آرمان‌گرایی و واقع‌بینی جمع می‌کند: «دولت مقاومت نه اهل تجاوز است، نه اهل سلطه‌طلبی و دست‌اندازی به ملت‌ها و کشورها است، نه اهل فرورفتن در لاک دفاعی و موضع انفعال است ... «و أَعِدُوا لَهُمْ مَا اسْتَطَعْتُمْ مِنْ قُوَّةٍ» ... همان چیزی است که در ادبیات سیاسی به آن قدرت بازدارندگی می‌گویند» (خامنه‌ای، بیانات، ۱۳۹۶/۰۲/۲۰). در کنار این موضع واقع‌گرا، در بیانیه گام دوم پیروزی انقلاب اسلامی آغازگر عصر جدید عالم تلقی شده که با تثبیت انقلاب اینک چشم‌انداز دوم با ورود به «مرحله خودسازی، جامعه‌پردازی و نهایتاً تمدن‌سازی» نمایان شده است (خامنه‌ای، مکتوبات، ۱۳۹۷/۱۱/۲۲).

### ۳. اخلاق‌گرایی و پایبندی به توافقات و تعهدات بین‌المللی

در نگاه هستی‌شناسانه اسلام به روابط بین‌المللی باید به دو مسئله، نوع نگاه به انسان و سیاست پرداخت تا دیدگاه اسلام نسبت به محیط بین‌المللی مشخص گردد. از نگاه اسلام، سیاست و قدرت ذاتاً نمی‌تواند مثبت یا منفی باشد، بلکه این هدف سیاست است که چهره واقعی آن را می‌نمایاند. سیاست ابزاری است در دست انسان که اگر به استیلائی غرایز و قوای شهوانی انسان بینجامد، از منظر دینی فاقد ارزش است و اگر این ابزار برای برتری و سیادت

قوای عاقله و یا به عبارت بهتر، حاکمیت فطرت انسانی به کار گرفته شود، امری در خور توجه است (سجادی، ۱۳۸۱: ۶۹). با تأسی به همین نوع نگاه اسلام به سرشت، ماهیت انسان و سیاست تعالیم و آموزه‌های اسلامی، روابط بین‌المللی را با جنگ و صلح همراه می‌داند از نظر اسلام جنگ معلول عدم تعادل رابطه فطرت و غرایز انسانی است که در آن غرایز بر فطرت چیره می‌گردد در روابط خارجی اسلام نه جنگ اصل است (آن‌گونه که رئالیست‌ها می‌اندیشند) و نه صلح همیشگی است (آن‌گونه که ایدئالیست‌ها باور دارند)، بلکه از نظر اسلام پدیده جنگ و صلح واقعیت عینی تاریخ بشر را تشکیل می‌دهند. به همین جهت رویکرد اسلامی به روابط بین‌الملل درباره نظم و روابط بین‌الملل مطلوب، هنجاری است. در چهارچوب این نظریه امکان شکل‌گیری یک جامعه اخلاقی جهانی واحد بر اساس ارزش‌ها، منافع و نهادهای مشترک بشری تحت حاکمیت واحد اسلامی وجود دارد. نظم بین‌المللی مطلوب اسلام، اخلاقی و عادلانه است که تعالی و سعادت کل بشریت را تأمین می‌کند. ارزش‌های زیربنای نظم و نظام بین‌الملل اسلامی نیز اعتباری و قراردادی نیستند، بلکه از آنجا که از فطرت انسانی نشئت می‌گیرد، واقعی و قابل کشف و تبیین می‌باشد (دهقانی فیروزآبادی، ۱۳۸۹: ۱۴۲). در نگاه قرآنی به روابط بین‌الملل اصولی همانند ارتباط برادرانه در جامعه گسترده اسلامی، اصالت روابط مسالمت‌آمیز با بازیگران غیرحربی، ضرورت پایبندی به مفاد قراردادها با دیگر ملل، ضرورت اجتناب از روابط و قراردادهایی که زمینه‌ساز سلطه کفار بر مؤمنین گردد و ... دارای اهمیت است و دولت‌های اسلامی موظف به رعایت این اصول حتی در میانه جنگ هم هستند. جمهوری اسلامی ایران هم با بهره‌گیری از آموزه‌های دینی که به آن اشاره کرده‌ایم همواره در پی دستیابی به یک نظم اخلاقی عادلانه بر پایه احترام متقابل بین دولت‌ها و پرهیز از هرگونه سلطه‌گری و ستم‌کشی بوده است. تجربه عملی چهل سال اخیر جمهوری اسلامی ایران در عرصه روابط بین‌المللی به‌خوبی ثابت نموده است که علیرغم همه دشمنی‌ها و فشارهای نظام سلطه، در هیچ برهه زمانی نقض‌کننده معاهدات و توافقنامه‌های بین‌المللی نبوده است و به تمامی معاهدات بین‌المللی مادامی که با ارزش‌ها و مبانی هنجاری و منافع ملی کشور در تضاد نباشد پای بند خواهد بود؛ بنابراین دولت تراز انقلاب اسلامی که الزامات آن بر طبق بیانیه گام دوم انقلاب ذکر آن رفت، علاوه بر اخلاق‌گرایی در عرصه بین‌المللی به معاهدات دوجانبه و چندجانبه با ذکر شرایطی که آمد

پایبند و نقش مؤثر و سازنده‌ای در ایجاد صلح و همزیستی مسالمت‌آمیز فرهنگی بین ملت‌ها ایفا خواهد کرد.



شکل ۲: شاخص‌های ارزشی و کنشی دولت تراز در سطح منطقه‌ای و بین‌المللی بر مبنای بیانیه گام دوم انقلاب

### جمع‌بندی

گفتمان انقلاب اسلامی با راهبرد نفی ظلم و تحقق نظام صلح عادلانه بین‌المللی وارد کنش عملیاتی چندسطحی؛ دعوت اخلاقی، مقاومت و بازدارندگی در راستای نظم مطلوب، تلاش دارد نقش هنجاری و هویتی خود در فضای بین‌الملل را ایفا کند. با انتشار بیانیه گام دوم انقلاب، ضمن ارائه رویکرد هویتی در راستای تحقق «تمدن نوین اسلامی» و تدوین راهبرد جهت «سربلندی ایران» در «پیچ تاریخی»، ابعاد مختلف حرکتی جهت تحقق گام اصلی حرکت تمدنی انقلاب اسلامی ترسیم شد. آیت‌الله خامنه‌ای در بیانیه ضمن تبیین ویژگی‌های مسیر طی شده در چهل سال گذشته انقلاب اسلامی در سرفصل‌هایی چون «دوگانه اسلام و استکبار»، «اقتدار انقلاب اسلامی و تغییر چالش‌ها و شکست مستکبران» به تحولات منطقه‌ای و بین‌الملل متأثر از انقلاب اسلامی پرداخته الزامات پیشروی کشور در «گام دوم» را در ۷ سرفصل اساسی بیان کردند که به‌طور ویژه بند «عزت ملی، روابط خارجی، مرزبندی با دشمن» به سیاست خارجی پرداخته شده است. بر همین مبنای فضای هنجاری انقلاب اسلامی عاملی است که جمهوری اسلامی به مدد آن می‌تواند مرزهایی هویتی برای خود ترسیم و از این طریق وارد رقابت‌های قدرت بین‌المللی گردد. چه اینکه بر مبنای نظریه سازه‌انگاری، نقش

کشورها در مناسبات جهانی بر اساس هویت آن‌ها ساخته می‌شود که این هویت نیز در فرایند تولید ارزش‌های داخلی و تعامل با هنجارهای بین‌المللی ساخته می‌شود. لذا آنچه جمهوری اسلامی ایران در گام دوم انقلاب به‌عنوان هویت برای خود تعریف می‌کند، نقطه آغازین ایفای نقش بین‌المللی آن است. به‌ویژه اینکه در سطح تحلیل تمدنی- هویتی، گام دوم انقلاب اسلامی نوید دهنده دوران جدیدی در حیات بشری مبتنی بر معنویت است که اساساً در تعارض با پایه‌ای‌ترین مبانی لیبرال دموکراسی غربی و مهم‌ترین نشانه بر رد ادعاهای غربی در یکسان‌سازی فرهنگی جهانی خواهد بود. لذا در سطح بین‌الملل گام دوم انقلاب به‌سوی تغییر در مناسبات جهانی و ایجاد یک نظم بین‌المللی عادلانه‌تر و صلح‌آمیز جهت‌دهی شده است. در تحقق این اهداف باید سیاست خارجی کشور نیز هم‌راستا با ارزش محوری و واقع‌بینی توأمان مندرج در بیانیه سامان‌یافته و بر اساس آرمان‌گرایی واقع‌بینانه، ابتکار عمل سیاسی مبتنی بر عقلانیت و مصلحت را در اختیار نظام جمهوری اسلامی قرار دهد که البته در این زمینه به‌واسطه نوسانات سیاسی و عدم گفتمان‌سازی از این مقولات آسیب‌هایی وجود دارد. بر همین اساس هدف این پژوهش استخراج شاخصه‌های دولت مطلوب و تراز انقلاب اسلامی در سطوح منطقه‌ای و بین‌المللی منطبق بر گفتمان آیت‌الله خامنه‌ای و بیانیه گام دوم انقلاب اسلامی بود. لذا پژوهش اصلی این‌گونه تدوین شد که «شاخصه‌های ارزش و کنشگری دولت تراز انقلاب در سطوح منطقه‌ای و بین‌الملل مبتنی بر بیانیه گام دوم انقلاب در برگیرنده چه مؤلفه‌هایی است؟» جهت پاسخ از رویکرد توصیفی-تحلیلی است و از ابزار مطالعات کتابخانه‌ای با استفاده از ادبیات تخصصی و بیانات آیت‌الله خامنه‌ای و همچنین بیانیه گام دوم انقلاب استفاده گردید. براساس مبانی سازه‌نگاری در راستای تعامل متقابل کنش و ارزش، مبتنی بر نگرش‌های آیت‌الله خامنه‌ای در آموزه‌های بیانیه گام دوم اشاره گردید که آموزه‌های سیاست خارجی در بیانیه گام دوم تعقیب منافع ملی در چهارچوب نظام ارزشی صورت می‌گیرد و لذا الگوی مفهومی مقاله بر اساس واقعیت‌های کنونی نظام بین‌الملل با لحاظ ظرفیت‌های جمهوری اسلامی برای نیل به وضعیت مطلوب آینده که همان سربلندی ایران و تمدن‌سازی اسلامی است، ارائه شد. سپس در پاسخ به سؤال اصلی نشان داده شد که مهم‌ترین ویژگی‌های دولت تراز انقلاب در سطح منطقه‌ای و جهان اسلام شامل وحدت‌گرایی و صلح‌طلبی، ام القرا و الگوسازی ایرانی-اسلامی، امنیت‌زایی و حمایت از مقاومت است و

شاخص‌های کنشی سطح بین‌المللی شامل پابندی به قاعده عزت، حکمت و مصلحت، استقلال‌گرایی ضد هژمونیک، اخلاق‌گرایی و پابندی به توافقات و تعهدات بین‌المللی می‌باشد.

بی‌تردید ایفای نقش‌های یاد شده و ساماندهی سیاست خارجی بر مبنای شاخص‌های ارزشی و کنشی یاد شده، نیازمند الزاماتی راهبردی است:

- درک واقعیت‌های نظام جهانی به‌مثابه یک کل که تصویر دقیق‌تری از فرایندهای تأمین منافع ملی با نظر داشت ظرفیت‌های داخلی و خارجی کشور را فراهم می‌سازد، یک الزام اساسی است. همچنان که آیت‌الله خامنه‌ای می‌فرماید: «ما به مسائل جهانی و مسائل منطقه‌ای و از جمله مسائل کشورمان، باید نگاه کلان و جامع داشته باشیم؛ این نگاه کلان، به ما معرفت و بصیرتی را عطا می‌کند که اولاً موقعیت خودمان را، جایگاه خودمان را، ایستگاه خودمان را در وضع کنونی بازیابی کنیم و بفهمیم در چه وضعی قرار داریم؛ بعد هم به ما تعلیم می‌دهد که برای آینده چه باید بکنیم. در نگاه کلان به کل جهان- از جمله به منطقه- انسان به این نکته اساسی برخورد می‌کند که نظم مستقر حاکم قبلی دنیا در حال تغییر و تبدیل است» (خامنه‌ای، بیانات، ۱۳/۰۶/۱۳۹۳).

- الزام راهبردی بعدی، تمرکز بر قدرت داخلی و «استحکام ساخت درونی قدرت» در نظام جمهوری اسلامی است. در شرایط آشوبناک بین‌المللی، آنچه به‌گونه‌ای اجتناب‌ناپذیر بدان نیاز هست شکل‌گیری «دولت قوی» است. دولت قوی که قادر باشد ضمن «انسجام ساخت درونی قدرت» با استفاده از تحرک ژئوپلیتیکی و بهره‌گیری از فرصت‌های بین‌المللی به دنبال اثربخشی بر محیط پیرامونی و بین‌المللی باشد. این بسیج علمی همه ظرفیت‌های داخلی پشتوانه کنش راهبردی کشور در فضای «پیچ تاریخی» است تا بتوان در شکل‌گیری معادله قدرت مؤثر و اثتلاف‌سازی آتی حضور داشته و با شبکه تهدیدات خارجی را مقابله کرد.

- گفتمان‌سازی جهت عبور دوگانه‌های ساختگی مانند دیپلماسی/مقاومت، منافع/ارزش‌ها، داخلی/خارجی الزام اساسی راهبردی برای تحقق اهداف بیانیه گام دوم است که بایستی در سطح تصمیم‌گیران، تصمیم‌سازان، رسانه‌ها و جامعه تبیین

گردد. تأمین و حفظ منافع ملی، هدفی اساسی است که در پیوند با ارزش‌های هویتی قرار دارد و لذا با مفهومی چون عقلانیت انقلابی و آرمان‌گرایی واقع‌بین می‌توان مسیر سیاست خارجی را پیش برد. «می‌توان با روحیه صحیح انقلابی و دیپلماسی هوشمندانه و هدفمند، روابط خارجی را گسترش داد و عناصر قدرت نظام را به پشوانه‌ای برای دستاوردهای سیاسی و دیپلماتیک تبدیل کرد. هدف اصلی و واقعی دیپلماسی، حفظ منافع ملی است و تعامل و تقابل، تنها روش‌هایی برای تأمین منافع ملی هستند ... ارتباط خردمندان، هوشمندانه، هدفمند و منطقی با جهان، برخاسته از نگاه اسلامی نظام و کاملاً منطبق با دیپلماسی ایدئولوژیک است» (خامنه‌ای، بیانات، ۱۳۹۷/۰۴/۳۰).

0 برای ارتقای دستگاه سیاست خارجی باید ضمن در نظر آوردن رکن جهت‌ساز گفتمان انقلاب و سیاست‌های کلی نظام به آسیب‌های موجود در محیط داخلی توجه کرده و توان انطباق‌پذیری آن را با روند تحولات محیط بیرونی مورد ارزیابی قرار داد. اصلاح ساختاری با ایجاد نهاد بالادستی فرماندهی و تخصصی‌سازی نهادهای حوزه دیپلماسی (وزارت خارجه، سازمان فرهنگ و ارتباطات، رسانه‌های برون‌مرزی و ...) و هماهنگ‌سازی آنان به‌ویژه با الزامات دیپلماسی اقتصادی از راهکاری اساسی برای انطباق‌پذیری است.

- نگاه درون‌زا و مبتنی بر شناخت و استفاده به‌هنگام از ظرفیت‌های انسانی و فهرست طولانی فرصت‌های مادی کشور، شرط لازم و حیاتی برای پیشرفت و بهینه‌سازی دیپلماسی کشور است تا بتوان وضعیت کنونی «تحریم شونده‌گی» ایران را تغییر داد. به‌ویژه تاب‌آوری حداکثری در برابر تحریم‌ها و حل مشکلات کشور ناشی از شرطی‌سازی اقتصادی کشور از طریق دستیابی به روابط پایدار سیاسی و اقتصادی با اولویت همسایگان و تعریف جایگاه ایران در پیچ تاریخی نظام جهانی به‌عنوان محور ژئوپلیتیک بایستی اولویت راهبردی باشد.



## فهرست منابع

- 0 استیل، برنت (۱۳۹۲)، امنیت هستی‌شناختی در روابط بین‌الملل، ترجمه: سید جلال دهقانی فیروزآبادی، فرزاد رستمی و محمدعلی قاسمی، تهران: پژوهشکده مطالعات راهبردی.
- 0 اسدی، حیدر؛ هادی رجبی (۱۳۹۶)، نقش فرهنگ مقاومت در امنیت داخلی جمهوری اسلامی ایران، فصلنامه سیاست، سال چهارم، شماره ۱۶.
- 0 افتخاری، اصغر (۱۳۹۲)، تبارشناسی قاعده مصلحت در فقه سیاسی شیعه، سیاست متعالیه، سال اول، شماره ۱.
- 0 آقائی فیروزآبادی، محمود (۱۳۹۹)، الگوی ایرانی-اسلامی پیشرفت و چشم‌انداز تمدنی جهان اسلام، مطالعات سیاسی جهان اسلام، دوره نهم، شماره ۲.
- 0 ایزدی، جهانبخش؛ خلفی، فرزاد (۱۳۹۰)، راهبردهای تحقق مؤثر و سازنده ایران در نظام بین‌الملل (بر پایه سند چشم‌انداز)، رهنامه سیاست‌گذاری، سال دوم، شماره سوم.
- 0 حقیقت، سید صادق (۱۳۷۶)، مسئولیت‌های فراملی و سیاست خارجی دولت اسلامی، تهران: نشر مرکز تحقیقات استراتژیک.
- 0 خامنه‌ای، سیدعلی (۱۳۹۰)، راهبردهای سیاست خارجی برگرفته از بیانات آیت‌الله خامنه‌ای در جمع سفرا و کارداران جمهوری اسلامی ایران در خارج از کشور، تهران: انقلاب اسلامی
- 0 دهقانی فیروزآبادی، سید جلال (۱۳۸۹)، مبانی فرا نظریه اسلامی روابط بین‌الملل، فصلنامه روابط بین‌المللی خارجی، سال دوم، شماره ۶.
- 0 دهقانی فیروزآبادی، سید جلال؛ اسماعیلی، علیرضا (۱۳۹۵)، انقلاب اسلامی و صورت‌بندی گفتمان قدرت در نظام بین‌الملل، فصلنامه مطالعات انقلاب اسلامی، سال ۱۳، شماره ۴۶.
- 0 دهقانی فیروزآبادی، سید جلال؛ وهاب‌پور، پیمان (۱۳۹۴)، امنیت هستی‌شناختی در سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران. تهران: پژوهشکده مطالعات راهبردی.
- 0 رضایی اندیشمند، ابوالقاسم (۱۳۹۵)، عزت، حکمت و مصلحت در سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران از دیدگاه آیت‌الله خامنه‌ای، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه باقرالعلوم قم.
- 0 سجادپور، سیدمحمدکاظم (۱۳۹۷)، چهارچوبی مفهومی و فراگیر برای درک و تحلیل سیاست خارجی ایران، فصلنامه سیاست خارجی، ویژه‌نامه چهلمین سالگرد پیروزی انقلاب اسلامی.
- 0 سجادپور، محمدکاظم؛ نوریان، اردشیر (۱۳۸۹)، برنامه‌ریزی در سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران: بررسی رابطه قدرت منطقه‌ای، اقتصاد و سیاست خارجی بر اساس سند چشم‌انداز، فصلنامه راهبرد، شماره ۵۶.

- 0 سجادی، عبدالقیوم (۱۳۸۱)، *دیپلماسی و رفتار سیاسی در اسلام*، فصلنامه علوم سیاسی، سال پنجم، شماره ۱۹.
- 0 طباطبایی، سیدمحمد؛ سلیمانی، علی (۱۳۹۲)، *جمهوری اسلامی ایران و رژیم صهیونیستی: گسترش فضای هنجاری و تهدیدات ارزشی متقابل*، پژوهش‌های راهبردی سیاست، سال دوم، شماره ۷.
- 0 عباسی، صفر (۱۳۹۴)، *همگرایی و وحدت جهان اسلام*، پژوهش‌های منطقه‌ای، دوره جدید، شماره ۱۶.
- 0 عباسی، مجید (۱۳۹۷)، *نظام سلطه و تعارضات آن در روابط بین‌الملل در گفتمان آیت‌الله خامنه‌ای*، فصلنامه پژوهش‌های راهبردی سیاست، سال ۷، شماره ۲۵.
- 0 عراقچی، عباس؛ قافله‌باشی، سیدمجید (۱۳۹۸)، *راهبردهای سیاست خارجی در حوزه دفاعی-امنیتی*، مطالعات مدیریت راهبردی دفاع ملی، سال چهارم، شماره ۱۳.
- 0 قاسمی، بهزاد (۱۳۹۷)، *ژئوپلیتیک محور مقاومت و امنیت جمهوری اسلامی ایران براساس گفتمان انقلاب اسلامی*، فصلنامه آفاق امنیت، سال ۱۱، شماره ۳۸.
- 0 کبیری، ابوالحسن (۱۳۹۹)، *سیاست خارجی برگرفته از منظومه فکری آیت‌الله خامنه‌ای و تأثیر آن بر امنیت ملی*، مطالعات دفاع مقدس، دوره ششم، شماره ۴.
- 0 لاریجانی، محمدجواد (۱۳۶۹)، *مقولاتی در استراتژی ملی*، تهران: مرکز نشر و ترجمه کتاب.
- 0 لینکلینتر، آندرو (۱۳۸۶)، *نواقع‌گرایی، نظریه انتقادی و مکتب‌برسازی*. ترجمه: علیرضا طیب، تهران: دفتر مطالعات سیاسی وزارت خارجه.
- 0 متقی، ابراهیم (۱۳۹۷)، *همبستگی‌های منافع ملی و ایدئولوژی در سیاست خارجی*، پایگاه اطلاع‌رسانی دفتر حفظ و نشر آثار آیت‌الله خامنه‌ای، مؤسسه پژوهشی فرهنگی انقلاب اسلامی
- 0 مختاری، مجید (۱۴۰۳)، *درآمدی بر وحدت اسلامی در عرصه دیپلماسی فرهنگی*، پژوهش‌نامه دیپلماسی فرهنگی، سال اول، شماره ۳.
- 0 مشیرزاده، حمیرا (۱۳۸۲)، *نقش ارزش‌ها و هنجارها در شکل دادن به سیاست خارجی*، رهیافت سازه‌انگارانه، فصلنامه مطالعات عالی بین‌المللی، سال سوم، شماره ۳.
- 0 معینی علمداری، جهانگیر؛ راسخی، عبدالله (۱۳۹۰)، *روش‌شناسی سازه‌انگاری در حوزه روابط بین‌الملل*، فصلنامه سیاست خارجی، سال ۱۷، شماره ۴.
- 0 موسوی، سیدمحمد، جوادی ارجمند، محمدجواد (۱۴۰۱)، *مکانیسم علی و روش‌شناسی سازه‌انگاری در روابط بین‌الملل*، روش‌شناسی علوم انسانی، سال ۲۸، شماره ۱۱۲.

- Acharya, Amitav(2020), Hegemony and Diversity in the 'Liberal International Order': Theory and Reality, available at: <https://www.e-ir.info/2020/01/14/hegemony-and-diversity-in-the-liberal-international-order-theory-and-reality/>
- Jupille, Joseph.A & Caporaso, James& T.Checkel, Jeffrey (2003),"Integrating Institutions Rationalism, Constructivism and the study of European Union", Comparative Political Studies, Vol.36, No.1-2.
- Lupovici, Amir (2009). Constructivism Methods: a Plea and Manifesto. Review of International Studies. Vol 35. No 1. pp 195-218.
- Nye, Joseph S. (2019), The Rise and Fall of American Hegemony From Wilson to Trump, International Affairs, Vol. 95, Issue 1, Pages 80-63.



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
 رتال جامع علوم انسانی